

سخن نخست؛ در مورد کانونهای علمی

ضرورت تشکیل محفل^۹های پژوهشی طلاب

اینک که شماره جدید نشریه «محفل» تقدیم مخاطبین گرانقدر می‌شود، شاهد آغاز نشر مجلات داخلی حوزه‌های علمیه تهران هستیم. کانون‌های علمی هم به همت و تلاش معاونت‌های پژوهش مدارس در حال شکل گرفتن هستند. اندک اندک تابلوهای علمی مدارس فعال می‌شوند و اردوها و دوره‌های کارگاهی آموزشی روش تحقیق برگزار می‌شود. شرکت فعال و پرشور طلاب در جشنواره علامه حلی (ره) را هم به این فهرست اضافه کنید. از اینها گذشته، برخی طلاب جوان حوزه‌های تهران به صورت خودجوش اما بی‌نام و نشان در گوشه کنار، به تولید مقاله یا کتاب مشغولند. این همه را به فال نیک می‌گیریم.

اجازه دهید در این میان اندکی درباره کانون‌های علمی سخن بگوییم. کانون‌های علمی محل اجتماع طلابی است که توانایی علمی، استعداد و انگیزه لازم را دارند تا آموخته‌های علمی خود را از مرحله آموزش به مرحله پژوهش ارتقا دهند. در مرحله آموزش، یک سری مفاهیم و گزاره‌های تصدیقی فراگرفته می‌شوند. احیانا برخی از این گزاره‌ها به صورت مستدل آموخته می‌شوند یعنی استاد همزمان گزاره و استدلال کافی برای اثبات آن را تعلیم می‌دهد. در مورد برخی گزاره‌ها، نظریات رقیب هم مطرح می‌شوند، اما استدلال آن نظریات رقیب و رد آنها به نفع گزاره اصلی، کمتر مورد توجه است. در مرحله پژوهش، از طریق مطالعه منابع معتبر، مفاهیم و گزاره‌ها ریشه‌یابی تاریخی می‌شوند، همه نظریات و استدلال رقیب مورد توجه قرار می‌گیرند و نهایتا رد استدلال رقیب مورد بازخوانی و تامل قرار می‌گیرند. بدین سان، طالب علم از مرحله «تعلیم» به «پژوهش» ترقی می‌کند و از «متعلم» به «پژوهشگر» بدل می‌شود. تفاوت اصلی پژوهشگر با متعلم در آن است که مطالب کتاب‌های درسی را به صورت جزئی و مندرج در مسلمات و اصول موضوعه نمی‌بیند، بلکه آنها را به صورت یک قول از میان اقوال بسیار می‌یابد و با کندوکاو در پی ابطال یا یافتن حقانیت آنها است. پژوهشگر بدین سان توانایی ارائه تازه‌های علمی به دیگران دارد، اما متعلم به صورت منفعل صرفا در صدد دریافت علم است نه تولید آن.

آنچه در کانون‌های علمی مدارس علمیه باید بگذرد همین است: ارتقای سطح طالب علم از تعلم به پژوهش در زمینه علم مورد نظر. ورودی کانون‌های علمی، متعلمین هستند و خروجی آنها، نشر کتاب، مقاله و مجلات تخصصی و برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی است. شاید این سؤال مطرح شود که متعلمین نوپای علوم عربیت یا فقه و اصول و منطق، چه میزان آمادگی لازم جهت پژوهش را دارند؟ آیا نباید پژوهش را مختص به اساتید و محققین عالی رتبه دانست؟ پاسخ آن است که قرار نیست کانون‌های علمی، حاوی متعلمین نوپا به صورت مستقل و بدون نظارت اساتید باشند، قرار نیست هر متعلم به صورت منفرد و بدون فعالیت شبکه‌ای و گروهی به تولید یک پژوهش به معنای واقعی آن دست یازد و قرار نیست هر متعلم به محض ورود در کانون یا در مدتی اندک، پژوهشی پخته و درخور تحویل دهد. کانون علمی باید حلقه واسطی باشد میان طلاب مستعد و اساتید محقق. کانون علمی شرایط یک گلخانه را دارد؛ طلاب مستعد در کانون‌ها، باید تحت نظارت ویژه اساتید قرار گیرند تا در کنار هم رشد کنند. ممکن است در آغاز، استاد ناظر، یک تقسیم کار ساده انجام دهد، از تهیه یک کتاب گرفته تا تایپ و تلخیص و فیش‌برداری. اولین کار یک طالب علم در کانون علمی می‌تواند بسیار ساده باشد مثلا مراجعه به یک کتابفروشی و خرید یک کتاب یا مراجعه به کتابخانه‌ای خاص و تهیه زیراکس از برخی صفحات یک کتاب. طالب علم ابتدا صرفا دستیار تحقیق استاد است، اما در کنار استاد بودن و کمک به پژوهشی که استاد، انجام می‌دهد، آرام آرام به صورت عملی و عینی، طالب علم را با ریزه‌کاری‌های پژوهش آشنا می‌سازد. همچنین طالب علم می‌آموزد که چگونه با دیگران کار کند و به صورت جمعی، پژوهشی واحد را به پیش ببرد.

در تشکیل کانون‌های علمی، با توضیحاتی که گذشت، ابتدا یافتن یک استاد خبره و مجرب، آشنا به زوایای مختلف پژوهش، دارای حوصله و زمان کافی و معتقد به فعالیت گروهی در زمینه پژوهش، امری حیاتی است. این البته حالت آرمانی است. اگر حالت آرمانی میسر نشد، باز هم تشکیل کانون‌های علمی فاقد ثمره نیست زیرا می‌تواند زمینه‌ای برای ترغیب اساتید به هدایت پژوهشی طلاب باشد، می‌تواند طلاب را به مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر سوق دهد، رابطه جمعی طلاب را بهبود بخشد و ... امید آنکه کانون‌های علمی به حالت آرمانی نزدیک و نزدیک‌تر شوند.